1) سؤال : از عيد اعظم.

جواب : اول عيد عصر ١٣ ماه دوم از اشهر بيان است . يوم اول و تاسع و دوازدهم عيد اشتغال به امور حرام است.

2) سؤال : از عيد مولود.

جواب : مولود اقدس ابهی اوّل فجر يوم دوم محرّم است و يوم اول مولود مبشّر است و اين دو يک يوم محسوب شده عند اللّه.

3) سؤال : از آيتين.

جواب : "للرّجال - إِنَّا کُلٌّ للّه راضُون". "للنّسآء - إِنَّا کُلٌّ للّه راضيات".

4) سؤال : اگر نفسی سفر کند و ميقات رجوع يعنی مدّت سفر را معيّن ننمايد و مفقود الخبر و الاثر شود تکليف ضلع چيست.

جواب : اگر امر کتاب اقدس را شنيده و ترک نموده ضلع يک سال تمام تربّص نمايد و بعد اختيار با اوست در معروف يا اتّخاذ زوج و اگر شخص امر کتاب را نشنيده ضلع صبر نمايد تا امر زوج او را خداوند ظاهر فرمايد و مقصد از معروف در اين مقام اصطبار است.

5) سؤال : از آيه مبارکه "إنّا لمّا سمعنا ضجيج الذّرّيّات فی الأصلاب زدنا ضعف ما لهم و نقصنا عن الأُخری".

جواب : مواريث در کتاب الهی ٢٥٢٠ سهم شده که جامع کسور تسعه باشد و اين عدد هفت قسمت می شود هر قسمتی به صنفی از ورّاث می رسد چنانچه در کتاب مذکور است از جمله کتاب طاء نُه شصت که عدد مقت ميشود مخصوص ذريّه مشخّص شده و معنی قوله تعالی "زدنا ضعف مَا لَهُم" يک مثل آن بر آن افزودند عدد دو طاء ميشود و آنچه زياد شد از سايرين کم می شود مثلاً نازل شده "و للازواج من کتاب الحآء علی عدد التّآء و الفآء" يعنی هشت شصت که عدد تاء و فاء می‌شود از برای ازواج مقدّر شده حال شصت و نصف شصت که عدد ٩٠ می شود از ازواج کم شده و بر ذرّيه افزوده و همچنين الی الاخر که عدد آنچه کم شد ٩ شصت می شود که بر ٩ شصت اول افزوده شده.

6) سؤال : از ميراث اخ يعنی اگر برادر از طرف مادر و پدر هر دو باشد وارث است يا از يک طرف هم که باشد وارث است.

جواب : اگر برادر از طرف اب باشد حقّ او علی ما ذکر فی الکتاب به او می رسد و اگر از طرف اُمّ باشد ثلث حقّ او به بيت العدل راجع است و دو ثلث به او و کذلک فی الأُخت.

7) سؤال : در باب ارث مقرّر شده که اگر ذرّيه موجود نباشد حقوق ايشان به بيت العدل راجع است هر يک از ساير طبقات هم هر گاه موجود نباشد مثل اب و امّ و يا اخ و اخت و معلّم حقوق آنها راجع به بيت العدل است و يا قسم ديگر است.

جواب : آيه مبارکه کافی است قوله تعالی "من مات و لم يکن له ذرّيّه ترجع حقوقهم الی بيت العدل الخ و الّذی له ذرّيّة و لم يکن ما دونها عمّا حدّد فی الکتاب يرجع الثّلثان ممّا ترکه الی الذّرّيّة و الثّلث الی بيت العدل الخ" يعنی اگر کسی بميرد و ذرّيه نداشته باشد حقوق ذرّيه به بيت العدل راجع است و اگر ذرّيه باشد و سايرين از ورّاث نباشند دو ثلث از ميراث به ذرّيه می رسد و ثلث آخر به بيت العدل راجع اين حکم در کُل و بعض هر دو جاری است يعنی هر کدام از ساير ورّاث نباشند دو ثلث به ذريّه راجع و ثلث به بيت عدل.

8) سؤال : از نصاب حقوق اللّه.

جواب : نصاب حقوق اللّه ١٩ مثقال از ذهب است يعنی بعد از بلوغ نقود به اين مقدار حقوق تعلّق می گيرد و امّا ساير اموال بعد از بلوغ آن به اين مقام قيمةً لا عدداً و حقوق اللّه يک مرتبه تعلّق می گيرد مثلاً شخصی مالک شد هزار مثقال از ذهب را و حقوق آن را ادا نمود بر آن مال ديگر حقّ اللّه تعلّق نمی گيرد مگر بر آنچه به تجارات و معاملات و غير هما بر آن بيفزايد و به حدّ نصاب برسد يعنی منافع محصوله از آن در اين صورت بما حکم به اللّه بايد عمل شود الّا اذ انتقل اصل المآل الی يد اخری اذاً يتعلّق به الحقوق کما تعلّق اوّل مرّة در آن وقت حقوق الهی بايد اخذ شود نقطه اولی می فرمايد از بهاء کلّ شیء که مالکند بايد حقوق اللّه را ادا نمايند ولکن در اين ظهور اعظم اسباب بيت و بيت مسکون را عفو نموديم يعنی اسبابی که ما يحتاج به است.

9) سؤال : حقوق اللّه و ديون ميّت و تجهيز اسباب کدام مقدّم است.

جواب : تجهيز مقدّم است بعد اداء ديون بعد اخذ حقوق اللّه و اگر مال معادل ديون نباشد آنچه موجود است به مقتضای ديون قليلاً و کثيراً قسمت شود.

10) سؤال : در کتاب اقدس نهی از حلق رأس شده و در سوره حجّ امر به آن.

جواب : جميع مأمورند به کتاب اقدس آنچه در آن نازل آن است حکم الهی ما بين عباد و حلق رأس از قاصدين بيت عفو شده.

11) سؤال : اگر در ايّام اصطبار اقتران واقع شود و بعد ندامت حاصل گردد آيا ايّام قبل از اقتران از ايّام اصطبار محسوب است و يا آنکه سال را از سر گيرد و آيا بعد از طلاق تربّص لازم است يا نه.

جواب : اگر در ايّام اصطبار الفت بميان آيد حکم زواج ثابت و بايد بحکم کتاب عمل شود و اگر ايّام اصطبار منتهی شود و بما حکم به اللّه واقع گردد تربّص لازم نه و اقتران مرء با مرئه در ايّام اصطبار حرام است و اگر کسی مرتکب شود بايد استغفار کند و ١٩ مثقال ذهب به بيت العدل جزای عمل برساند.

12) سؤال : بعد از قرائت آيتين و اعطاء مهر اگر کره واقع شود طلاق بدون اصطبار جايز است يا نه.

جواب : بعد از قرائت آيتين و اعطاء مهر قبل از قران اگر اراده طلاق نمايد جايز است ايّام اصطبار لازم نه ولکن اخذ مهر از مرئه جايز نه.

13) سؤال : معلّق بودن امر تزويج به رضايت ابوين از طرف مرد و زن هر دو لازم يا از يک طرف کافی است و در باکره و غيرها يکسان است يا نه.

جواب : تزويج معلّق است به رضايت پدر و مادر مرء و مرئه و در باکره و دون آن فرقی نه.

14) سؤال : در صلات امر به توجّه به سمت قبله نازل در اذکار توجّه به کدام سمت بايد کرد.

جواب : در صلات حکم قبله ثابت و در اذکار حکم ما أنزله الرّحمن فی الفرقان جاری "أينما تولّوا فَثَمَّ وجه اللّه".

15) سؤال : از ذکر در مشرق الاذکار فی الاسحار.

جواب : اگر چه در کتاب الهی ذکر اسحار شده و لکن در اسحار و طلوع فجر و بعد از طلوع فجر الی طلوع آفتاب و دو ساعت هم بعد از آن لدی اللّه مقبول است.

16) سؤال : از حمل جنايز که می فرمايد به قدر مسافت يک ساعت حمل شود آيا در برّ و بحر هر دو اين حکم جاری است يا نه.

جواب : در برّ و بحر هر دو اين حکم جاری اگر چه ساعت کشتی بخار باشد و يا ساعت سکّه حديد. مقصد مدّت يک ساعت است ديگر به هر نحو باشد ولکن هر چه زودتر دفن شود احب و اولی است.

17) سؤال : در باب گم شده که بعد از يافتن چگونه معمول شود.

جواب : اگر در شهر يافت شود يک بار منادی ندا کند و اخبار دهد اگر صاحب آن يافت شد تسليم نمايد و الّا يک سنه صبر کند اگر صاحب آن يافت شد آنچه مصروف منادی نموده اخذ و مال را تسليم کند و اگر يک سنه گذشت و صاحبش معلوم نشد در آن تصرّف نمايد و اگر گم شده از مصروف منادی کمتر و يا مثل آن باشد پس از يافتن يک روز صبر کند اگر صاحبش يافت نشد تصرّف نمايد. و اگر در صحرا يافته سه روز صبر کند اگر صاحبش معلوم نشد تصرّف نمايد.

18) سؤال : در باب وضو اگر شخصی مثلاً به حمّام رود و تمام بدن را بشويد باز وضو بايد گرفت يا نه.

جواب : در هر حال بايد حکم وضو را مجری دارد.

19) سؤال : اگر شخصی در خيال جلای وطن باشد بالفرض و اهل او راضی نشود و منجر به طلاق گردد و ايّام تدارک سفر طول کشد تا يک سنه آيا از ايّام اصطبار محسوب است و يا آنکه از يوم مفارقت بايد حساب شود و يک سنه صبر نمايد.

جواب : اصل حساب از يوم مفارقت است ولکن اگر قبل از مسافرت به يک سال مفارقت نمايند و عرف محبّت متضوّع نگردد طلاق واقع و الّا از يوم مسافرت حساب نمايد تا انقضای يک سنه به شروطی که در کتاب اقدس نازل شده.

20) سؤال : از بلوغ در تکاليف شرعيّه.

جواب : بلوغ در سال پانزده است نساء و رجال در اين مقام يکسان است.

21) سؤال : از آيه مبارکه "فی الاسفار اذا نزلتم و استرحتم المقام الامن مکان کلّ صلوة سجدة واحدة".

جواب : اين سجده قضای نمازی است که در اثنای حرکت و مواقع نا امن فوت شده و اگر در وقت نمازی در جای امن مستريح باشد بايد همان نماز موقوت را به جای آورد و اين حکم که در قضا نازل در سفر و حضر هر دو يکسان است.

22) سؤال : از تعيين سفر.

جواب : تعيين سفر نه ساعت از قرار ساعت مصنوع و اگر مسافر در جائی توقّف کند و معيّن باشد توقّف او تا يک شهر بيان بايد صائم شود و اگر اقلّ از يک شهر باشد صوم بر او نيست و اگر در بين شهر صوم وارد شود به جائی که يک شهر بيانی در آن جا توقّف می نمايد بايد سه روز افطار کند و بعد از آن ما بقی ايّام صوم را صائم شود و اگر به وطن خود رسد که دائم الاقامه در آن جا بوده است بايد همان يوم اول ورود صائم شود.

23) سؤال : از جزای زانی و زانيه.

جواب : دفعه اولی ٩ مثقال ثانی ١٨ مثقال ثالث ٣٦ مثقال الی آخر دو مقدار جزای سابق و مثقال نوزده نخود است چنانچه در بيان نازل شده.

24) سؤال : از صيد.

جواب : قوله تعالی " اذا ارسلتم الجوارح الخ " اقسام ديگر هم در آن داخل است چون تفنگ و تير و غيرهما از هر نوع آلات که به آن صيد می کنند ولکن اگر با دام صيد شود و تا وصول به آن مرده باشد حرام است.

25) سؤال : از حجّ.

جواب : حجّ يکی از دو بيت واجب ديگر بسته به ميل شخصی است که عزيمت حجّ نموده.

26) سؤال : از مهر.

جواب : در مهر اقتناع به درجه اولی مقصود از آن ١٩ مثقال نقره است.

27) سؤال : از آيه مبارکه "و ان اتاها خبر الموت الخ".

جواب : مراد از لبث اشهر معدودات ٩ ماه است.

28) سؤال : مجدّد از سهم ميراث معلّم استفسار شده بود.

جواب : اگر معلّم مرده باشد ثلث سهم او به بيت العدل راجع و دو ثلث ديگر به ذرّيه ميّت نه معلّم.

29) سؤال : مجدّد از حجّ استفسار شده بود.

جواب : حجّ بيت که بر رجال است بيت اعظم در بغداد و بيت نقطه در شيراز مقصود است هر يک را که حجّ نمايند کافی است هر کدام نزديکتر به هر بلد است اهل آن بلد آن را حجّ نمايند.

30) سؤال : از آيه "من اتّخذ بکراً لخدمته لا بأس".

جواب : محض از برای خدمت است چنانکه صغار و کبار ديگر را اجرت می دهند برای خدمت و آن بکر هر وقت که خواهد زوج اختيار کند اختيار با نفس اوست چه که خريدن اماء حرام و زياده بر دو زوجه هم حرام است.

31) سؤال : از آيه مبارکه "قد نهاکم اللّه عمّا عملتم بعد طلقات ثلث".

جواب : مقصود حکم قبل است که بايد ديگری آن را تزويج نموده بعد بر او حلال شود در کتاب اقدس نهی از اين عمل نازل.

32) سؤال : از ارتفاع بيتين در مقامين و مقامات مستقرّ عرش.

جواب : مقصود از بيتين بيت اعظم و بيت نقطه است و مقامات ديگر به اختيار اهل آن بلد است هر بيتی را که محلّ استقرار شده مرتفع نمايند يا يک بيت را اختيار کنند.

33) سؤال : مجدّد از ارث معلّم استفسار شده بود.

جواب : اگر معلّم از غير اهل بهاء است ابداً ارث نمی برد و اگر معلّم متعدّد باشد ميانشان بالسّويّه قسمت می شود و اگر معلّم وفات نموده باشد به اولاد او ارث نمی رسد بلکه دو ثلث ارث به اولاد صاحب مال و يک ثلث به بيت عدل راجع.

34) سؤال : از بيت مسکون که مخصوص اولاد ذکور است.

جواب : اگر بيت مسکون متعدّد باشد اعلی و اشرف آن بيوت مقصود است و مابقی مثل ساير اموال است که بايد بين کل قسمت شود و هر يک از طبقات ورّاث که خارج از دين الهی است حکمش حکم معدوم است وارث نمی برد.

35) سؤال : در باب نوروز.

جواب : هر روز که شمس تحويل بحمل شود همان يوم عيد است اگر چه يک دقيقه به غروب مانده باشد.

36) سؤال : اگر عيد مولود و يا مبعث در صيام واقع شود حکمش چيست.

جواب : اگر عيد مولود و يا مبعث در ايّام صيام واقع شود حکم صوم در آن يوم مرتفع است.

37) سؤال : در احکام الهيّه در باب ارث، دار مسکونه و البسه مخصوصه را از برای ذکران ذرّيه مقرّر فرموده‌اند بيان شود که اين حکم در مال اب است و يا در مال امّ هم همين حکم جاری است.

جواب : البسه مستعمله امّ ما بين بنات بالسّويّه قسمت شود و ساير اشياء از ملک و حلی و البسه غير مستعمله کل از آن قسمت می برند به قسمی که در کتاب اقدس نازل شده و در صورت عدم وجود بنت جميع مال کما نزل فی الرّجال بايد قسمت شود.

38) سؤال : در باب طلاق که بايد صبر شود يک سنه اگر رائحه رضا و ميل بوزد از يک طرف و طرف ديگر نوزد چگونه است حکم آن.

جواب : حکم به رضايت طرفين در کتاب اقدس نازل اگر از هر دو طرف رضايت نباشد اتّفاق واقع نه.

39) سؤال : در مهر ورقات هر گاه نقد و دفعة واحده نباشد به عنوان قبض مجلس رد شود و دست به دست شود و بعد از امکان به ضلع رد نمايد چگونه است.

جواب : اذن به اين فقره از مصدر امر صادر.

40) سؤال : در مدّت اصطبار هر گاه متضوّع شود رائحه حبّ و باز کراهت حاصل شود و در ظرف سنه گاه کراهت و گاه ميل و در حالت کراهت سنه به آخر رسد در اين صورت افتراق حاصل است يا نه.

جواب : در هر حال هر وقت کراهت واقع شود از يوم وقوع ابتدای سنه اصطبار است و بايد سنه به آخر رسد.

41) سؤال : دار مسکونه و البسه مخصوصه مخصوص ذرّيه ذکور است "دون الاناث و الورّاث" هر گاه ذرّيه ذکور نباشد تکليف چيست.

جواب : قوله تعالی "من مات و لم يکن له ذرّيّة ترجع حقوقهم الی بيت العدل". نظر به اين آيه مبارکه دار مسکونه و البسه مخصوصه به بيت العدل راجع است.

42) سؤال : در کتاب اقدس حقوق اللّه نازل. آيا بيت مسکون و متروکات آن و مايحتاج جزو اموالی است که حقوق بر آن ثابت ميشود يا نوع ديگر است.

جواب : در احکام فارسيّه می فرمايد "در اين ظهور اعظم اسباب بيت و بيت مسکون را عفو نموديم يعنی اسبابی که مايحتاج به است".

43) سؤال : در باب نامزد کردن بنت قبل از بلوغ .

جواب : حرمت آن از مصدر امر نازل و بيش از نود و پنج روز قبل از نکاح ذکر وصلت حرام است.

44) سؤال : اگر بالفرض اموال شخصی صد تومان باشد و حقوق را ادا نموده بعد در تجارت نقصان واقع شود و نصف اين مبلغ تلف شود باز به تجارت به نصاب رسد حقوق بايد داد يا نه.

جواب : در اين صورت حقوق بر آن تعلّق نميگيرد.

45) سؤال : اگر مبلغ معهود به کلّی بعد از اداء حقوق تلف شود و دفعه ديگر از کسب و تجارت همين مبلغ حاصل شود حقوق ثانی بايد داد يا نه.

جواب : در اين صورت هم حقوق ثابت نه.

46) سؤال : از آيه مبارکه " کتب عليکم النّکاح" اين حکم واجب است يا نه.

جواب : واجب نه.

47) سؤال : اگر شخصی باکره را نکاح کرد و مهريّه را هم تسليم کرد هنگام اقتران معلوم شد که باکره نيست آيا مصروف و مهريّه بر می گردد يا نه و اگر به شرط باکره بودن نکاح شد آيا فساد شرط سبب فساد مشروط ميشود يا نه.

جواب : در اين صورت مصروف و مهريّه بر می گردد و فساد شرط علّت فساد مشروط است ولکن اگر در اين مقام ستر و عفو شامل شود عند اللّه سبب اجر عظيم است.

48) سؤال : "رقم عليکم الضّيافة" واجب است يا نه.

جواب : واجب نه.

49) سؤال : از حدّ زنا و لواط و سارق و مقادير آن.

جواب : تعيين مقادير حد به بيت العدل راجع است.

50) سؤال : از حلّيّت و حرمت نکاح اقارب.

جواب : اين امور هم به امنای بيت العدل راجع است.

51) سؤال : در باب وضو "من لم يجد المآء يذکر خمس مرّات بسم اللّه الاطهر الاطهر" در شدّت سرما و يا جراحت يد و وجه خواندن ذکر جايز است يا نه.

جواب : در شدّت سرما به آب گرم و در وجود جراحت يد و وجه و مانع آخر از قبيل اوجاع که استعمال آب مضرّ باشد ذکر معهود را بدل وضو تلاوت نمايد.

52) سؤال : ذکر که در عوض صلات آيات نازل شده واجب است يا نه.

جواب : واجب نه.

53) سؤال : در باب ارث مع وجود اخ و اخت ابی و امّی اخ و اخت امّی هم سهم می برند يا نه.

جواب : سهم نمی برند.

54) سؤال : قوله تعالی "انّ الّذی مات فی ايّام والده و له ذرّيّة اولئک يرثون ما لابيهم". اگر دختر در ايّام پدر فوت شود حکمش چيست.

جواب : ميراث او به حکم کتاب به هفت سهم منقسم می‌شود.

55) سؤال : اگر ميّت زن باشد سهم زوجه به که راجع.

جواب : سهم زوجه به زوج راجع.

56) سؤال : در باب کفن ميّت به پنج ثوب امر شده آيا مقصود از اين پنج پنج پارچه است که در قبل معمول می شد و يا آنکه مراد سرتاسری جوف هم است.

جواب : مقصود پنج پارچه است.

57) سؤال : آيات مُنزله بعضی با هم فرق دارد.

جواب : بسياری از الواح نازل شد و همان صورت اوليّه من دون مطابقه و مقابله باطراف رفته لذا حسب الامر به ملاحظه آنکه معرضين را مجال اعتراض نماند مکرّر در ساحت اقدس قرائت شد و قواعد قوم در آن اجرا گشت و حکمت ديگر چون در قاعده جديده به حسب بيان حضرت مبشّر روح ما سواه فداه قواعد بسيار وسيع ملاحظه شد لذا به جهت سهولت و اختصار نازل شد آنچه با اکثر مطابق است .

58) سؤال : از آيه مبارکه "و فی الاسفار اذا نزلتم و استرحتم المقام الامن مکان کلّ صلوة سجدة واحدة" قضای نمازی است که به علّت عدم امنيت فوت شده يا به کلّی در سفر صلات ساقط است و سجده بجای آن است.

جواب : اگر وقت صلات برسد و امنيت نباشد بعد از وصول به مکان امن هر قدر فوت شده به جای هر يک يک بار سجده نمايد و بعد از سجده اخيره بر هيکل توحيد نشسته ذکر معهود را قرائت نمايد. در سفر اگر موقع امن باشد صلات ساقط نه.

59) سؤال : پس از نزول و استراحت هر گاه وقت صلات باشد صلات معيّن است و يا بايد در عوض صلات سجده نمايد.

جواب : جز در مواقع ناامن ترک صلات جايز نه.

60) سؤال : هر گاه سجده صلوات فائته متعدّد باشد تعدّد ذکر بعد از سجده لازم است يا نه.

جواب : بعد از سجده اخيره خواندن ذکر معهود کافی است به تعدّد سجده تعدّد ذکر لازم نه.

61) سؤال : در حضر اگر صلات فوت شود عوض فائته سجده لازم است يا نه.

جواب : در جواب سؤالات قبل مرقوم اين حکم که در قضا نازل در سفر و حضر هر دو يکسان است.

62) سؤال : هر گاه لاجل امر آخر وضو گرفته باشد و وقت صلات مصادف شود همان وضو کافی است و يا تجديد لازم.

جواب : همان وضو کافی است تجديد آن لازم نه.

63) سؤال : در کتاب اقدس صلات ٩رکعت نازل که در زوال و بکور و اصيل معمول رود و اين لوح صلات مخالف آن بنظر آمده.

جواب : آنچه در کتاب اقدس نازل صلات ديگر است ولکن نظر به حکمت در سنين قبل بعض احکام کتاب اقدس که از جمله آن صلات است در ورقه اخری مرقوم و آن ورقه مع آثار مبارکه به جهت حفظ و ابقای آن به جهتی از جهات ارسال شده بود و بعد اين صلوات ثلاث نازل.

64) سؤال : در تعيين وقت اتّکال به ساعت جايز است يا نه.

جواب : اتّکال به ساعت جايز است.

65) سؤال : در ورقه صلات سه صلات نازل آيا هر سه واجب است يا نه.

جواب : عمل يکی از اين صلوات ثلاث واجب هر کدام معمول رود کافی است.

66) سؤال : وضوی بامداد در زوال مجری است و کذا وضوی زوال از برای اصيل يا نه.

جواب : وضو مربوط به نماز است در هر صلات بايد تجديد شود.

67) سؤال : در صلات مبسوط که فرمايش رفته بايستد مقبلاً الی اللّه چنين می نمايد که قبله لازم نباشد چنين است يا نه.

جواب : مقصود قبله است.

68) سؤال : از آيه مبارکه "اتلوا آيات اللّه فی کلّ صباح و مسآء".

جواب : مقصود جميع ما نزل من ملکوت البيان است. شرط اعظم ميل و محبّت نفوس مقدّسه است به تلاوت آيات. اگر يک آيه و يا يک کلمه به روح و ريحان تلاوت شود بهتر است از قرائت کتب متعدّده.

69) سؤال : آيا شخص می تواند در کتاب وصيّت از اموال خود چيزی قرار بدهد که بعد از وفات او در امورات خيريّه صرف شود به غير اداء حقوق اللّه و حقوق ناس يا آنکه جز مخارج کفن و دفن و حمل نعش حقّی ندارد و ما بقی اموال کما فرض اللّه به ورّاث ميرسد.

جواب : انسان در مال خود مختار است اگر بر اداء حقوق الهی موفّق شود و همچنين حقّ النّاس بر او نباشد آنچه در کتاب وصيّت بنويسد و اقرار و اعتراف نمايد مقبول بوده و هست. قد أذن اللّه له بأن يفعل فيما ملّکه اللّه کيف يشآء.

70) سؤال : وضع خاتم که در کتاب اقدس نازل شده مخصوص کبار است يا صغار هم داخلند.

جواب : مخصوص کبار است و همچنين صلات ميّت آن هم مخصوص کبار است.

71) سؤال : در غير شهر علاء اگر نفسی خواسته باشد صائم شود جايز است يا نه و اگر نذر و عهد کرده باشد که صائم شود مجری و ممضی است يا نه.

جواب : حکم صوم از همان قرار است که نازل شده ولکن اگر نفسی عهد نمايد که للّه صائم شود به جهت قضاء حاجات و دون آن بأسی نبوده و نيست ولکن حقّ جلّ جلاله دوست داشته که عهد و نذر در اموری که منفعت آن به عباد اللّه می رسد واقع شود.

72) سؤال : مجدّد سؤال شده دار مسکونه و البسه مخصوصه در صورت عدم وجود ذکران از ذرّيه راجع به بيت العدل است يا مثل ساير اموال تقسيم می شود.

جواب : دو ثلث خانه و البسه مخصوصه به اناث از ذرّيه راجع و ثلث الی بيت العدل الّذی جعله اللّه مخزن الامّة.

73) سؤال : هر گاه زمان اصطبار منقضی شود و زوج از طلاق دادن امتناع نمايد تکليف ضلع چيست.

جواب : بعد از انقضای مدّت طلاق حاصل ولکن در ابتدا و انتها شهود لازم که عند الحاجة گواهی دهند.

74) سؤال : از حدّ هرم.

جواب : نزد اعراب اقصی الکبر و نزد اهل بهاء تجاوز از سبعين.

75) سؤال : از حدّ صوم مسافر پياده.

جواب : حدّ آن دو ساعت مقرّر شده اگر بيشتر شود افطار جايز.

76) سؤال : از صوم نفوسی که در شهر صيام به اشغال شاقّه مشغولند.

جواب : صيام نفوس مذکوره عفو شده ولکن در آن ايّام قناعت و ستر لاجل احترام حکم اللّه و مقام صوم اولی و احبّ.

77) سؤال : با وضوی صلات تلاوت ذکر ٩٥مرتبه اسم اعظم جايز است يا نه.

جواب : تجديد وضو لازم نه.

78) سؤال : در باب البسه و حلی که شخص از برای ضلع می گيرد هرگاه متوفّی شود ما بين ورّاث قسمت می شود يا مخصوص است بضلع.

جواب : غير از البسه مستعمله هر چه باشد از حلی و غيره راجع به زوج است مگر آنچه به اثبات معلوم شود به زوجه بخشيده شده.

79) سؤال : از حدّ عدالت در مقامی که اثبات امر به شهادت عدلين می شود.

جواب : حدّ عدالت نيکوئی صيت است بين عباد و شهادت عباد اللّه از هر حزبی لدی العرش مقبول.

80) سؤال : هر گاه شخص متوفّی حقوق اللّه يا حقّ النّاس بر ذمّه او باشد از بيت مسکون و البسه مخصوصه و ساير اموال بالنّسبه بايد ادا شود يا آنکه بيت و البسه مخصوص ذکران است و ديون بايد از ساير اموال داده شود و هر گاه ساير ترکه وفا نکند به ديون چگونه معمول شود.

جواب : ديون و حقوق از ساير اموال داده شود و اگر اموال وفا نکند از بيت مسکون و البسه مخصوصه ادا شود.

81) سؤال : صلات ثالث را نشسته بايد به جا آورد يا ايستاده.

جواب : القيام مع الخضوع اولی و احب.

82) سؤال : صلات اولی را که می فرمايد هر هنگام و هر وقت که انسان در خود حالت اقبال و خضوع مشاهده نمايد به عمل آورد در شب و روزی يک بار يا ازمنه ديگر حکمش چگونه است.

جواب : در شب و روزی يک بار کافی است هذا ما نطق به لسان الامر.

83) سؤال : از تعيين بکور و زوال و اصيل.

جواب : حين اشراق الشّمس و الزّوال و الغروب و مهلت صلات صبح الی زوال و من الزّوال الی الغروب و من الغروب الی ساعتين الامر بيد اللّه صاحب الاسمين.

84) سؤال : قران با مشرکين جايز است يا نه.

جواب : اخذ و عطا هر دو جايز هذا ما حکم به اللّه اذ استوی علی عرش الفضل و الکرم.

85) سؤال : از وقت نماز ميّت قبل از دفن و يا بعد از آن و توجّه به قبله لازم است يا نه.

جواب : اداء صلات قبل از دفن و امّا القبلة "اينما تولّوا فثمّ وجه اللّه".

86) سؤال : در زوال که وقت دو نماز است يکی شهادت حين زوال و يکی نماز ديگر که در زوال و بکور و آصال بايد کرده شود اينهم دو وضو لازم دارد و يا آنکه در اين مورد مخصوص يک وضو کافی است.

جواب : تجديد لازم نه.

87) سؤال : در مهر اهل قری که فضّه تعيين شده به اعتبار زوج است يا زوجه و يا هر دو و در صورت اختلاف که يکی شهری و ديگری از قری باشد چه بايد کرد.

جواب : مهر به اعتبار زوج است اگر از اهل مدن است ذهب و اگر از اهل قری است فضّه.

88) سؤال : ميزان شهری و دهاتی به چه حد است. هر گاه شهری هجرت به ده نمايد و يا دهاتی هجرت به شهر کند و قصد توطّن نمايد حکمش چگونه است. و کذلک محلّ تولّد ميزان است يا نه.

جواب : ميزان توطّن است هر جا وطن نمايد مطابق حکم کتاب رفتار شود.

89) سؤال : در الواح الهيّه نازل شده هر گاه کسی مالک شود معادل نوزده مثقال ذهب را بايد حق اللّه را از آن ادا نمايد. بيان شود از نوزده چه قدر داده شود.

جواب : حکم اللّه در صد نوزده معيّن شده از آن قرار حساب نمايند معلوم می شود بر نوزده چه مقدار تعلّق ميگيرد.

90) سؤال : هر گاه مال از نوزده تجاوز نمايد بايد به نوزده ديگر برسد يا بر زياده هم تعلّق می گيرد.

جواب : هر چه بر نوزده بيفزايد حقوق تعلّق نمی گيرد الّا به نوزده ديگر برسد.

91) سؤال : از ماء بکر و حدّ مستعمل آن.

جواب : آب قليل مثل يک کأس يا دو مقابل يا سه مقابل آن دست و رو در آن شستن از مستعمل مذکور ولکن اگر به حدّ کُر برسد از تغسيل يک وجه يا دو وجه تغيير نمی نمايد و در استعمال آن بأسی نبوده و نيست و اگر يکی از اوصاف ثلاثه در او ظاهر شود يعنی فی الجمله لون آب تغيير نمايد از مستعمل محسوب است.

92) سؤال : حدّ بلوغ شرعی در رساله مسائل فارسيّه سنه ١٥تعيين شده. آيا زواج نيز مشروط به بلوغ است يا قبل از آن جايز.

جواب : چون در کتاب الهی رضايت طرفين نازل و قبل از بلوغ رضايت و عدم آن معلوم نه در اين صورت زواج نيز به بلوغ مشروط و قبل از آن جايز نه.

93) سؤال : از صوم و صلات مريض.

جواب : به راستی می گويم از برای صوم و صلات عند اللّه مقامی است عظيم و لکن در حين صحّت فضلش موجود و عند تکسّر عمل به آن جايز نه. اين است حکم حقّ جلّ جلاله از قبل و بعد. طوبی للسّامعين و السّامعات و العاملين و العاملات الحمد للّه منزل الايات و مظهر البيّنات.

94) سؤال : از مساجد و صوامع و هياکل.

جواب : آنچه از مساجد و صوامع و هياکل که مخصوص ذکر حقّ بنا شده ذکر غير دون او در آنها جايز نه. اين است از حدود الهی و الّذی تجاوز انّه من المعتدين. بر بانی بأسی نبوده و نيست چه که عمل او للّه بوده و به اجر خود رسيده و خواهد رسيد.

95) سؤال : اسباب دکان که به جهت کسب و شغل لازم است بايد حقوق اللّه از آنها داده شود يا آنکه حکم اسباب بيت را دارد.

جواب : حکم اثاث بيت بر آن جاری.

96) سؤال : در باره تعويض و تبديل امانات از جنس به نقد و غيره حفظاً عن التّضييع.

جواب : اينکه در باره امانات و تعويض آن حفظاً عن التّضييع نوشتند در اين صورت تعويض جايز تعويضی که معادل آن را برساند انّ ربّک هو المبيّن العليم و الامر القديم.

97) سؤال : در تغسيل رجل شتا و صيف.

جواب : يک حکم دارد در هر دو آب فاتر ارجح است و در استعمال آب بارد هم بأسی نه.

98) و ديگر سؤال از طلاق نموده.

جواب : چون حقّ جلّ جلاله طلاق را دوست نداشته در اين باب کلمه ای نازل نشده ولکن از اول فصل الی انتهای سنه واحده بايد دو نفس مطّلع باشند او ازيد و هم شهداء. اگر در انتها رجوع نشد طلاق ثابت. بايد حاکم شرعی بلد که از جانب امنای بيت العدل است در دفتر ثبت نمايد. ملاحظه اين فقره لازم است لئلّا يحزن به افئدة اولی الالباب .

99) سؤال : در باره مشورت.

جواب : اگر در نفوس مجتمعه اولی اختلاف حاصل نفوس جديده ضمّ نمائيد و بعد بحکم قرعه به عدد اسم اعظم يا اقل يا اکثر از آن انتخاب نمائيد و مجدّد مشورت ما ظهر منه هو المطاع و اگر هم اختلاف شد زيّن الاثنين بالثّلاث و خذ الاقوی انّه يهدی من يشآء الی سوآء الصّراط.

100) سؤال : از ارث.

جواب : در باب ارث آنچه نقطه اولی روح ما سواه فداه به آن امر فرموده اند همان محبوب است. آنچه از اولو القسمة موجودند قسّموا بينهم اموالهم و ما دون آن بايد به ساحت اقدس عرض شود. الامر بيده يحکم کيف يشآء. در اين مقام در ارض سرّ حکمی نازل و قسمت نفوس مفقوده موقّتاً به ورّاث موجوده راجع الی ان يحقّق بيت العدل. بعد از تحقّق حکم آن ظاهر خواهد شد و لکن المهاجرين الّذين هاجروا فی سنة الّتی فيها هاجر جمال القدم ميراثهم يرجع الی ورّاثهم . هذا من فضل اللّه عليهم.

101) سؤال : از حکم دفينه.

جواب : اگر دفينه يافت شود يک ثلث حقّ نفسی است که يافته و دو ثلث ديگر را رجال بيت عدل در مصالح عموم عباد صرف نمايند و اين بعد از تحقّق بيت عدل است و قبل از آن به نفوس امينه در هر بلد و ديار راجع انّه لهو الحاکم الآمر العليم الخبير.

102) سؤال : از حقوق ملکی که منفعت از آن عايد نمی شود.

جواب : حکم اللّه آنکه ملکی که انتفاع آن مقطوع است يعنی نفعی از آن حاصل نمی شود حقوق بر آن تعلّق نمی گيرد و انّه لهو الحاکم الکريم.

103) سؤال : از آيه مبارکه "و البلدان الّتی طالت فيها اللّيالی و الايّام فليصلّوا بالسّاعات الخ".

جواب : مقصود بلاد بعيده بوده، اين اقاليم طول و غير آن ساعات قليله و اين خارج از حکم است.

104) در لوح ابا بديع اين آيه مبارکه نازل "إنّا کتبنا لکلّ ابن خدمة ابيه کذلک قدّرنا الامر فی الکتاب".

105) در لوحی از الواح نازل قوله تعالی "يا محمّد وجه قدم به تو متوجّه و ترا ذکر می نمايد و حزب اللّه را وصيّت می فرمايد به تربيت اولاد. اگر والد در اين امر اعظم که از قلم مالک قدم در کتاب اقدس نازل شده غفلت نمايد حق پدری ساقط شود و لدی اللّه از مقصّرين محسوب طوبی از برای نفسی که وصايای الهی را در قلب ثبت نمايد و به او متمسّک شود انّه يأمر العباد بما يؤيّدهم و ينفعهم و يقرّبهم اليه و هو الآمر القديم".

106) هو اللّه تعالی شأنه العظمة و الاقتدار جميع انبيا و اوليا از نزد حقّ جلّ جلاله مأمور بوده‌اند که اشجار وجود انسانی را از فرات آداب و دانائی سقايه نمايند تا از کل ظاهر شود آنچه که در ايشان به نفس ايشان من عند اللّه وديعه گذاشته شده. هر درختی را ثمری مشهود چنانچه مشاهده می شود. شجر بی ثمر لايق نار است و مقصود از آنچه فرموده‌اند و تعليم داده‌اند حفظ مراتب و مقامات عالم انسانی بوده طوبی از برای نفسی که در يوم الهی به اصول اللّه تمسّک جست و از قانون حقيقی انحراف نجست. اثمار سدره وجود امانت و ديانت و صدق و صفا و اعظم از کل بعد از توحيد حضرت باری جلّ و عزّ مراعات حقوق والدين است. در جميع کتب الهی اين فقره مذکور و از قلم اعلی مسطور ان انظر ما انزله الرّحمن فی الفرقان قوله تعالی "و اعبدوا اللّه و لا تشرکوا به شيئاً و بالوالدين احسانا" ملاحظه نمائيد احسان به والدين را با توحيد مقترن فرموده طوبی لکلّ عارف حکيم يشهد و يری و يقرء و يعرف و يعمل بما انزله اللّه فی کتب القبل و فی هذا اللّوح البديع.

107) در لوحی از الواح نازل قوله تعالی "و درباره زکات هم امر نموديم کما نزل فی الفرقان عمل نمايند".